

نقش رسانه ها در تبیین سیاست جمعیتی ایران

پریسا رضازاده جلالی^۱

چکیده :

هر چند امروزه تکثر رسانه ها باعث پیدایش مخاطب متکثر و البته تخصصی شده است و به این ترتیب نمی توان از طریق یک رسانه تمام مخاطبان مورد نظر را در مورد موضوعی به اجماع رساند؛ اما با یک برنامه ریزی درست و همه جانبه می توان از تمام امکانات رسانه ای بهره برد و در انتقال درست و به موقع اطلاعات در زمینه های جمعیتی به مخاطبان تا حدود زیادی به اهداف تعیین شده در برنامه های راهبردی جمعیتی رسید.

در حالی که انباشته شدن تسلیحات در خاورمیانه، انفجار جمعیت و جنبش اسلامی سه تهدید اصلی علیه کشورهای شمال و توسعه یافته مطرح می شود و کاهش جمعیت کشورهای اسلامی پروژه ای از قبل طراحی شده است که از طریق رسانه های جمعی این کشورها ترویج می شود در صورتی که کشورهای در حال توسعه مانند ایران، نرخ نزولی رشد جمعیت خود را کنترل ننمایند، طی چندین سال آینده با مشکل بزرگ پیری جمعیت و کاهش خطرناک جمعیت روبرو خواهند شد که هزینه زیادی را برای اقتصاد و امنیت کشور به دنبال خواهد داشت.

از این رو این مقاله به بررسی نقش رسانه ها در مهار سیاست کاهش جمعیت ایران از سوی غرب می پردازد.

کلیدواژه: جمعیت، رسانه، کشورهای اسلامی، ایران، پیری

^۱ کارشناس ارشد علوم اجتماعی گرایش جمعیت شناسی

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر تحولات چشمگیر جمعیت شناختی را تجربه کرده که بر ساختار سنی و جنسی جمعیت در آینده تاثیر قابل توجهی خواهد گذاشت. با عنایت به اینکه برنامه ریزی های توسعه اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در کشور مستلزم مطالعات عمیق تحولات جمعیتی در کشور است بدون شک تحولات جمعیت می تواند منشا چالش های فراوانی برای دولت و کشور قلمداد شود که این مهم نه فقط در داخل بلکه در عرصه بین الملل نیز می تواند تاثیر مهمی در امنیت و دفاع از مرزها به دنبال داشته باشد.

ولی در عین حال با برنامه ریزی صحیح و به موقع می توان از ساختار و ویژگی های موجود جمعیت برای بهبود وضعیت آینده کشور چه در داخل و چه در بعد بین الملل و امنیت کشور استفاده کرد که نقش رسانه ها را در این زمینه نمی توان نادیده گرفت.

چنانچه نظریه پردازان ارتباطات بر این عقیده اند که امروز جهان در دست کسی است که رسانه ها را در اختیار دارد.

شکل دهی به نگرش مخاطبان این رسانه ها در زمینه بایسته های جمعیتی یک جامعه بر امنیت کشور امری است که از این قاعده مستثنی نخواهد بود.

جمعیت و ابعاد آن نقطه مرکزی هر نظام سیاسی محسوب می شود. تحولات جمعیتی تقریباً تمام جنبه های زندگی انسان و جهان پیرامون انسان را تحت تاثیر قرار می دهد و اثرات متعددی بر خرده نظام های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی وارد می کند و منشا تحولات چشمگیری در این حوزه ها می شود. در مقابل جمعیت نیز متاثر از تحولات نظام اجتماعی و سیاست ها و برنامه های توسعه ای است. این ارتباط تعاملی جمعیت و جامعه در چارچوبی مفهومی - تحلیلی تحت عنوان جمعیت، توسعه و برنامه ریزی مطرح شده و گسترش یافته است. (صادقی، ۱۳۸۸: ۱۲)

همان طور که می دانیم کشورها برنامه های بلند مدتی را برای چشم انداز آینده خود طرح ریزی می کنند. در این برنامه ها بر اساس داده ها و امکانات کنونی که دارند و نیز به تناسب موقعیت هایی که در آینده نزدیک بر اساس پیش بینی ها و داده های

آماری دقیق کنونی بدست خواهند آورد، اقدام به برنامه ریزی و روشن کردن اهداف و وظایف بخش های مختلف برای رسیدن به چشم انداز ها می کنند.

مساله مهم برای این برنامه ریزی ها به خصوص در کشور ما این می باشد که آهنگ رشد جمعیت باید براساس امکانات و توانمندی های موجود به گونه ای پیش برود که در آینده نزدیک با مساله کاهش جمعیت فعال و افزایش جمعیت غیر فعال و هزینه بر مواجه نشویم.

رشد جمعیت به خودی خود مشکل اساسی نیست؛ زیرا با انتخاب استراتژی مناسب توسعه، می توان به سطح بالاتر زندگی، اعتماد به نفس و آزادی بیشتر دست یافت و این امر موجب کاهش رشد جمعیت می شود. توسعه اقتصادی، مکانیسم های اجتماعی را به همراه خواهد آورد که موجب رشد و توزیع مناسب جمعیت می شود. همچنین عواملی نظیر سواد، آموزش، صنعت، تکنولوژی، بهبود وضعیت تغذیه، بهبود وضعیت بهداشت، و نظایر آن از جمله عواملی هستند که در تغییرات جمعیتی، افزایش جمعیت، اندازه و ترکیب جمعیت و همین طور در بهبود کیفیت جمعیت نقش دارند.

کشورهای توسعه یافته سیاست های کاهش جمعیت را در سال های اخیر به کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته پیشنهاد می دهند. این درحالی است که خود این کشورها سیاست های کاهش جمعیت را در گذشته انجام داده و در حال حاضر دچار مشکلات فراوانی از لحاظ جمعیتی شده اند و این نکته حایز اهمیت است که باید هوشیارانه به آن پرداخت و از تجربیات این کشورها استفاده کرد و برای مقابله با آن و عدم تکرارش برنامه ریخت.

در صورتی که کشورهای در حال توسعه مانند ایران، نرخ نزولی رشد جمعیت خود را کنترل نمایند، طی چندین سال آینده با مشکل بزرگ پیری جمعیت و کاهش خطرناک جمعیت روبرو خواهند شد که هزینه زیادی را برای اقتصاد کشور به دنبال خواهد داشت. البته افزایش جمعیت به تنهایی مشکلات زیادی از قبیل فقر و عدم تحقق عدالت اجتماعی را در صورت عدم تطابق رشد جمعیت و رشد اقتصادی به دنبال خواهد داشت. لذا رشد اقتصادی و افزایش جمعیت دو بال یک پرنده و لازم و

رسانه ها قادرند با ترکیب شگردهای رسانه ای خود با این سیاست ها و اطلاعات که نیازمند انتقال درست به مردم هستند و تزریق اطلاعات درست و به موقع به جامعه، افراد را در اجماع و توافق بر سر تصمیمات درست یاری کرده و نسبت به این خطر بزرگ آگاه سازند.

مقاله پیش روی، قصد دارد نقش رسانه ها را در افزایش میزان زاد و ولد و یا کاهش آن مورد بررسی قرار دهد. این مقاله با رویکردی توصیفی و تحلیلی ضمن بررسی اهمیت رسانه های داخلی در آگاه سازی افکار عمومی، به تحلیل جایگاه رسانه در اجرای سیاست های جمعیتی می پردازد و تلاش می کند به این سوال پاسخ دهد که رسانه ها در مهار سیاست غرب برای کاهش زاد و ولد در ایران که با هدف ضربه زدن به امنیت ملی کشور طراحی شده است، چه نقشی برعهده دارند؟

مروری بر تحقیقات پیشین

جمعیت به عنوان یکی از بازیگران صحنه سیاست کمتر از آنچه می بایست مورد مطالعه محققان و پژوهشگران علوم سیاسی قرار گرفته است. به عنوان مثال از میان مقالات و تحقیقات فراوان اختصاص یافته به مقوله امنیت، کمتر شاهد پژوهش و مطالعه در خصوص رابطه امنیت در عرصه بین الملل و مقوله جمعیت بوده ایم. به طوری که غالب پژوهش ها در باب جمعیت به دگرگونی جمعیت در اجتماع بشری، ایمن سازی فرایند رشد جمعیت و پدیده های جمعیتی مهاجرت، باروری و مرگ و میر اختصاص می یابد. از این رو ارتباط مستحکمی میان پدیده جمعیت به عنوان مولفه ای اساسی در تعریف قدرت ملی و تحصیل امنیت دیده نمی شود در حالی که تأکید بر روی اصل مشارکت، می تواند امنیت ملی را با امنیت نظام در وضعیت فعلی جمعیت، پیوند زده و برای آینده نیز لازم است تا بر اصل کنترل جمعیت و بهبود شاخص های کیفی در عرصه معادلات سیاسی، تأکید گردد. از این رو به برخی تحقیقات صورت گرفته در این باب که هر یک جمعیت را از دیدگاهی متفاوت مورد بحث و بررسی قرار داده اند، می پردازیم.

تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست های جمعیتی در ایران عنوان مقاله ای است که توسط محمد جلال عباسی شوازی و میمنت حسینی چاوشی به رشته تحریر درآمد. در این مقاله به تحولات چشمگیر جمعیت شناختی بر مبنای ساختار سنی و جنسی جمعیت پرداخته شد. با عنایت به اینکه برنامه ریزی های توسعه اقتصادی- اجتماعی در کشور تحت تاثیر تحولات گذشته، وضعیت موجود و تغییرات آینده جمعیتی قرار دارد از این رو هرگونه برنامه ریزی جامع مستلزم مطالعات عمیق تحولات جمعیتی در کشور است بدون شک تحولات جمعیت می تواند منشا چالش های فراوانی برای دولت و کشور قلمداد شود که برای بهبود وضعیت آینده کشور استفاده کرد. در نهایت به برخی پیامدهای تحولات باروری در ایران اشاره و راهکارهایی برای سیاست گذاری جمعیتی از جمله احیای شورای عالی جمعیت و تدوین سیاست های جدید جمعیتی براساس نیازهای واقعی جمعیت و توسعه در کشور و ... پیشنهاد شده است. (شوازی، چاوشی، ۱۵:۱۳۸۱)

محمود طالقانی در پژوهش خود با عنوان بررسی جامعه شناسی تحولات جمعیت ایران در فصلنامه مطالعات جغرافیایی به نقش و اهمیت مسایل فرهنگی در تأمین رضامندی افراد جامعه اشاره دارد و در پژوهش خود با توجه به امکانات موجود کشور به نسبت جمعیت غالباً جوان آن، کارآیی این بخش در ایمن سازی رشد فزاینده جمعیت را محل تردید می داند. (طالقانی، ۱۳۷۱: ۶۸-۶۹)

پژوهش های دیگر، جمعیت را از منظر پیامدهای اجتماعی و روانشناسی مورد کنکاش قرار می دهند .

در نتیجه کلیه اختلافات، نابسامانیها، کج رفتاریها و آسیبهای اجتماعی را پیامد بی هنجاری، بیگانگی و بازبینی، نظارت و کنترل اجتماعی ناکافی می دانند که با افزایش جمعیت و کمبود نظارت کافی و امکانات به اندازه باید شاهد مسایل اجتماعی چون خودکشی، اعتیاد، بزهکاری و نظایر آن که پیامد بیگانگی و بی هنجاری و نظارت ناکافی بر گروههایی است که با یکدیگر در نظام اجتماعی رقابت کرده و تعادل اجتماعی را دستخوش آشوب و فرد را دچار آشفتگی می سازند، بود. با این توجیه که وقتی فردی یک وسیله ارضای نیاز را ادراک کند و ببیند که دیگران آن وسیله را در

اختیار دارند، او نیز در عین میل به داشتن آن، امکان به دست آوردنش را نداشته باشد، این احساس بی عدالتی نسبی یا محرومیت نسبی، ممکن است به تدریج موجب بغض، حسادت و واکنش‌های عاطفی (مثل تعویض شغل، خودکشی) شود و در صورت فقدان کنترل اجتماعی، رفتارهای ناهنجار دیگری (مانند دزدی، کارشکنی و) را در پی داشته باشد. (تبریزی، ۱۳۷۰: ۴۳)

البته این ناهنجاری‌ها در جوامع شهری به مراتب بیشتر از جوامع روستایی است. با توجه به بروز ناهنجاری در میان جمعیت حاضر در اجتماع، باید گفت مردم در محیط و محل سکونت خود نیاز به امنیت دارند و نبود و یا کاهش میزان امنیت، تأثیر مستقیمی بر ساختار و تراکم جمعیت در مناطق مختلف می‌گذارد. در محیط‌های کم جمعیت همچون شهرهای کوچک و روستاها که سطح آشنایی مردم با یکدیگر بالاست خود به خود نوعی نظارت اجتماعی غیررسمی بر ساکنان اعمال می‌شود که در جلوگیری از ناهنجاریها مؤثر است. برعکس در شهرهای بزرگ، به علت بیگانگی شهروندان با یکدیگر ناشی از مهاجرت‌های داخلی است، نظارت بر عهده دستگاههای رسمی که کارآیی آن از نظارت غیررسمی کمتر است، قرار می‌گیرد.

البته باید در نظر داشت که شهرنشینی مستقیماً به کجروی و تهدید امنیت اجتماعی نمی‌انجامد بلکه زندگی شهری می‌تواند زمینه ساز چنین پدیده‌ای تلقی شود.

همراه شدن چنین وضعیتی با تضعیف باورهای سیاسی و رشد بحران مشروعیت نسبت به حاکمیت سیاسی، این روند را شدت بخشیده و به هرج و مرج و کشمکش در عرصه اجتماع می‌انجامد که تداوم آن در نهایت، تهدید جدی امنیت ملی است.

این حالت پیامد سویی در عرصه امنیت عمومی را به همراه دارد که گوناومیردال از آن با اصطلاح "دولت ناکارآمد" یاد می‌کند. منظور وی از این اصطلاح عبارت بود از فقدان نظم اجتماعی، اجرا نشدن صحیح قوانین، رعایت نگردیدن قوانین از بر مأموران در همه سطوح و تبانی آنها با اشخاص قدرتمند که در واقع وظیفه شان اداره آنها بود. در یک معنا با آن که دولت ناکارآمد در قبال افراد انعطاف نشان می‌داد و آنها آزاد بودند که آن چه را می‌خواهند انجام دهند، اما این دولت در مورد افراد و گروههای غیر سرسپرده، با شدت برخورد می‌کند.

و در نهایت مقالات معدودی در خصوص رابطه امنیت و جمعیت که یکی از آنها به چالش‌ها و سیاست‌های جمعیتی _ امنیتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است . این مقاله مسئله جمعیت را بخشی مهم از دغدغه امنیت ملی دولت‌های معاصر برمی شمارد.

این پژوهش به قلم محمود نجاتی حسینی تاکید می کند: برای تقویت امنیت ملی، لحاظ پارامترهای جمعیتی در سیاست‌گذاری ملی و عمومی و در غالب سیاست‌های امنیتی جمعیتی، حیاتی است. با توجه به اهمیت استراتژیکی این مسئله، در این نوشتار چالش‌های جمعیتی امنیتی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های راهبردی آن تحلیل شده است. از دستاوردهای این نوشتار می‌توان برای برنامه‌ریزان و مدیران سیاست‌های امنیتی جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در تدوین سیاست‌های برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی پنجم استفاده کرد. (نجاتی، ۱۳۸۸:۱۷۹)

رسانه، برجسته سازی، امنیت و سیاست های جمعیتی

امنیت همواره کلیدی ترین عنصر زندگی بشر بوده است. ترس در همه حال و همه زمان ها نقش مهمی در تصمیمات و حتی جهت گیری های دولت ها ایفا کرده است. ترس دولت ها از یکدیگر آنها را به سمت شرکت در اتحادیه های امنیتی و حتی غیرامنیتی که منتهی به تضمین امنیت آنها می شود، سوق می دهد. از کنگره وین - به عنوان یکی از شناخته شده ترین و ابتدایی ترین اتحادیه دولتی که در جهت تضمین امنیت دولت های عضو اتحادیه نظام امنیت جمعی پایه گذاری شد - تا تأسیس جامعه ملل، سازمان ملل و اتحادیه های نظامی مهمی همچون ورشو و ناتو که همگی در نتیجه اهمیت تضمین امنیت تأسیس شده اند، حکایت از این دارد که دولت ها همواره دغدغه امنیت دارند.

مسئله مهم، گسترش جنبه ها و ابعاد مفهوم امنیت می باشد. این مسئله به حوزه داخلی هم سرایت پیدا کرد و امنیت از حالت تک بعدی خارج شد و از حالت صرفاً امنیت نظامی به ابعاد دیگری همچون امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... نیز بسط یافت. در بسط و گسترش ابعاد امنیت، عوامل زیادی دخیل بوده اند که از مهم ترین

این عوامل می‌توان به پیدایش و رشد رسانه‌های جمعی و تأثیر این رسانه‌ها در رشد افکار عمومی و به چالش کشیدن قدرت دولت‌ها و یا برعکس، ازدیاد قدرت دولت‌ها از طریق این رسانه‌ها و از طریق دیپلماسی رسانه‌ای در سطح داخلی و خارجی اشاره کرد.

پیچیدگی‌های جوامع عصر حاضر و نقش غیرقابل انکار رسانه‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی باعث شده تا از این ابزار در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی بیشتر از گذشته استفاده شود. کارکرد رسانه‌ها در تصمیم‌گیری‌های روزمره زندگی برای مردم هم سودمند و هم زیان‌آور است زیرا رسانه‌های گروهی همچون تیغ دو دم هستند که می‌توانند پیوستگی و همگنی پدید آورند، قادر به وسعت بخشیدن و ژرف‌تر ساختن شکاف‌های اجتماعی هستند و هم می‌توانند بشارت‌دهنده توسعه باشند و هم بذر ایدئولوژی ضدتوسعه را منتشر سازند. آنها حس امنیت کاذبی را القاء و ذهن‌ها را از مسائل عینی دور می‌کنند ضمن اینکه می‌توانند به ایجاد شور و شوق، حیات و بالندگی در یکایک اعضای جامعه که یکی از کارکردهای مثبت رسانه‌های جمعی است با انتقال و بیان واقعیت‌های جامعه و روشنگری در عرصه تهدیدات منافع ملی و نه گروهی و شخصی تحقق بخشند.

یکی از اثرهای مهم ارتباط جمعی از دیدگاه سورین و تانکارد دو اندیشمند دانش ارتباطات، سوق دادن توجه مخاطب به مشکلات یا مسائل معین است. این اثر کارکرد برجسته‌سازی و رسانه‌های جمعی خوانده شده است. (تانکارد، ۱۳۸۵:۳۲۴)

سورین و تانکارد همچنین اشاره می‌کنند که آشنا بودن موضوعات و تجربه مستقیم مخاطب از آن موضوعات عامل مهمی در نحوه اتفاق افتادن و اثر گذاری فرآیند برجسته‌سازی است. آنها معتقدند سوال مهمی علاوه بر اینکه رسانه‌ها اولویت‌های ذهنی مخاطبان را تعیین می‌کنند وجود دارد و آن اینکه چه کسی اولویت‌های رسانه‌ها را معین می‌سازد.

رابرت لین یکی از کارشناسان علوم سیاسی می‌گوید: «وقتی الگوهای دیدن، شنیدن و خواندن در میان بخش عظیمی از افراد یک جامعه مشابه و یکسان باشد، سبب می‌شود که محورهای مورد توجه و دستور کار مباحث افراد آن جامعه هم تا حدودی

به هم شباهت پیدا کند. در بسیاری جوامع به واسطه تداخل الگوهای حاکم بر اعضای آنها، مرجع شکایت یا حتی نحوه رایه شکایت از طریق شناخت تعیین می گردد. البته مردم برنامه کارهای خصوصی و گروهی متفاوتی دارند و همین امر است که سبب می شود استدلال های متفاوت از افراد ارائه گردد. لیکن تمایل و گرایش رسانه ها به همگون سازی اندیشه ها اصطکاک ها را کاهش می دهد و موجب می شود تا دستور کارهایی که در سطح ملی تدوین می شوند، علی رغم وجود تقابل در مجموعه مخاطبان و مباحث هدفمند و معنی دار باشند.» (نجاتی، ۱۳۸۸:۳۰۰)

در بر جسته سازی اعتقاد بر این است که مخاطبان اهمیت موضوع را از طریق رسانه های جمعی درک می کنند و آن را معیار برنامه ریزی شخصی خود قرار می دهند.

تاکید بر اهمیت یک موضوع یا قضیه در رسانه های جمعی سبب می شود که آن موضوع در افکار عمومی جامعه مهم جلوه کند. بر جسته سازی به عنوان یک نظریه صرفاً محدود به رابطه بین اهمیت موضوعات از نظر رسانه ها و مخاطبان نیست. در بر جسته سازی می توان بر اهمیت ویژگی های موارد یا پدیده ها یی که در رسانه مورد بحث قرار می گیرند تاکید کرد. (همان).

حاصل کار این می شود که بعضی از مسائل خاص توسط بسیاری از مردم در سپهر عمومی و خارج از قلمرو رسانه ها به بحث گذاشته می شود؛ درحالی که به مسایل و موضوعات دیگر توجه نمی شود. (مهدی زاده، ۱۳۸۹:۵۹)

با این توضیحات و کمی دقت می توان متوجه این موضوع شد که مسئله سیاست جمعیتی که ما مدتی در انواع رسانه های کشور اعم از مطبوعات و رادیو و تلویزیون به تبلیغ آن پرداخته ایم، به تدریج باعث ساخته شدن یک فرهنگ و تفکر مشترک در میان آحاد جامعه شده و با توجه به شرایط اقتصادی کنونی ایده ای را به وجود آورده که به عنوان یک اصل پذیرفته شده است.

رسانه های مورد استفاده در این باب به پنج دسته عمده ۱. تلویزیون ۲. رادیو ۳. خبرگزاریها ۴. مطبوعات ۵. اینترنت تقسیم می شود.

تلویزیون

تلویزیون دو کارکرد متفاوت درباره امنیت ملی دارد. تلویزیون رسانه زمینه‌ساز یا مکمل رسانه‌های سیاسی‌تر هستند به این معنا که آنها بدون پرداختن به موضوع و مصداق اصلی، تفکر مخاطبان را پیرامون موضوع شکل می‌دهند و زمانی که مصداق‌ها مطرح می‌شود، مخاطبان بعداً نتیجه‌گیری مورد نظر رسانه را انجام می‌دهند. اما تلویزیون‌های خبری با برجسته‌سازی و در دستور کار قرار دادن بعضی از موضوعات در جهان، می‌توانند افکار عمومی را معطوف یک مسئله ساخته و به این ترتیب با برجسته‌سازی بیش از حد موضوع، جوی نامطلوب علیه آماج ایجاد کنند.

راديو

راديو نیز به دو دسته عادی و ویژه یا موج کوتاه تقسیم می‌شود، رادیوهای عادی و با طول موج بلند برای همگام و همراه‌سازی افکار عمومی کشور مبدأ برای اقدامات بین‌المللی است و رادیوهای موج کوتاه که بیشتر نیز در جهان سوم مرسوم است برای تحت تأثیر قرار دادن شهروندان کشور آماج است و هر چقدر یک کشور کمتر به نیازهای شهروندان خود توجه داشته باشد، تأثیر رادیوهای موج کوتاه بیشتر خواهد بود و بالعکس.

روزنامه‌ها

مطبوعات جزء رسانه‌هایی است که توسط نخبگان و رهبران فکری جوامع مورد مطالعه و استفاده قرار می‌گیرد. پس اولین راه برقراری ارتباط با افراد فرهیخته مطبوعات است. در مرحله اول مهم‌ترین عامل در ساختن افکار عمومی است اما به صورت مستقیم بر کشورهای آماج تأثیر ندارد. ولی در مرحله اول در بعد امنیت مهم‌ترین عامل در ساختن افکار عمومی کشور مبدأ برای دخالت در کشور آماج است و در مرحله دوم کشورهای خاصی همچون آمریکا، انگلیس و فرانسه و آلمان دارای مطبوعاتی در سطح جهان هستند که گزارش‌های این مطبوعات مانند نیوزویک می‌تواند بر افکار عمومی

نخبگان و مسئولان جهان که رهبران فکری جوامع خود هستند تأثیر بگذارند. (تافلر، ۱۳۷۰: ۲۵۶)

اینترنت

اینترنت به عنوان یک رسانه متکثر شناخته می‌شود که صدها هزار سایت در آن وجود دارد که دسترسی به همه آنها برای همگان وجود دارد، ولی فضای اینترنت به نحوی است که شهروندان جهان از سایتهای جهانی همچون سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی، الجزیره و غیره که برای همگان شناخته شده است بهره می‌گیرند.

موتورهای جست‌وجوگر مانند گوگل و یاهو و غیره که مقر اصلی آنها در امریکا است می‌توانند در هنگام پیدا کردن مطالب مورد نظر استفاده کننده، مطالبی به نفع خود و به ضرر کشور آماج جست‌وجو کنند و یا اطلاعات مربوط به کشور آماج را در انتهای لیست قرار دهند که کمتر مورد استفاده کاربران است. استفاده علنی از اینترنت مانند ارسال پست الکترونیک برای مسئولان، فیلترشکنی فیلترهای حکومتی روی اینترنت و یا هک کردن سایتهای خاص، از موارد دیگر سوء استفاده از اینترنت در جنگهای روانی است که به علت وضوح بیش از حد از توضیح آنها صرف نظر می‌شود. (سبیلان اردستانی، ۱۳۸۲: ۵۵)

شبکه رسانه ای با تشویق مردم به داشتن خانواده کوچکتر و با حمایت همه جانبه خود از برنامه های تنظیم خانواده باعث ساخته شدن فرهنگ بخصوصی در میان مردم می‌شود. این اتفاق در اوایل سال های پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی کلید خورد و سیاست افزایش جمعیت را از طریق رسانه ها ترویج داد. اما با پایان جنگ سیاست کاهش جمعیت مدنظر قرار گرفت. شاید در دوره ای از سیر تحول در کشور نیاز مند کنترل و کاهش جمعیت بودیم اما اکنون باید روند رشد جمعیتی خود را با اهنگی مناسب با شرایط اقتصادی و فرهنگی خود به آرامی بالا ببریم تا در مسیر رشد و توسعه خود با مشکل پیری ناگهانی جمعیت و عدم کارایی آن مواجه نباشیم.

به وضوح می‌توان نقش رسانه ها را در جامعه دید. رسانه مهمترین ابزارهای فرهنگ سازی در جامعه هستند که باید از آنها استفاده کرد. علاوه بر این رسانه ها یکی

از محور های اصلی است که دشمن بیگانه برای پیاده سازی برنامه های خود در جوامع دیگر از آنها استفاده می کند. در عصر حاضر همراه با گسترش رسانه ها و با سواد شدن عامه مردم، افکار عمومی و مسائل پیرامون آن به یکی از مباحث اصلی رسانه ها انجامیده است و امروزه کمتر دولتی است که بتواند از آن سرپیچی کند و یا آن را به حساب نیاورد. (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۱۱)

در واقع ظهور حکومت های مردمی، افکار عمومی عمدتاً به صورت مرجعی نقاد پا به صحنه گذارده است. از این رو دولت ها تا آنجا که خود را متکی بر حاکمیت ملی می بینند، موظف به رعایت افکار عمومی هستند.

رسانه ها امروزه در مباحث جنگ نرم یکی از مهمترین ابزارها در دنیا به شمار می آیند؛ تسخیر ذهن و دل افراد برای همراهی با برنامه های طراحی شده به ویژه که تاثیر رسانه های نوین ارتباطی بر فرهنگ و اجزای آن پس از جنگ سرد به وضوح قابل مشاهده است. در این مورد ساموئل هانتینگتون معتقد است که فرهنگ در سطح کلان بصورت تمدن به عنوان بالاترین گروه بندی فرهنگی و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی رفتار انسان را هدایت خواهد کرد. (Pub, 1995:255)

به این ترتیب بدون هیچ جنگ و خونریزی کنترل گزاره های امنیتی در داخل مرزهای یک جامعه به دست رسانه های غالب خواهد افتاد.

با عنایت به مطالب فوق و اینکه مسئله کنترل و کاهش جمعیت و یا افزایش آن یکی از مقولات بارز امنیت ملی در جوامع می باشد و تصمیمات و برنامه های سیاستمداران و برنامه ریزان بایستی در جهت تقویت امنیت ملی و زدودن برنامه های متضاد با امنیت ملی باشد باید به این مهم توجه داشت که در شرایطی که در کشورمان به دلیل رویکردهای سیاسی و باورهای مذهبی و عقیدتی دارای گفتمان ویژه ای در عرصه بین الملل است که با مخالفت اساسی دشمنان نظام اسلامی مواجه می باشد، عقل و منطق حکم می کند که خطرات بلند مدت خصوصاً خطرات ناشی از تحدید جمعیت جدی گرفته شود و به تبیین نقش رسانه ها در این موارد همت گمارده و از نقش کاربردی آن غافل نشود. درکل باید گفت یکی از مهم ترین آثار رسانه ها، سیاسی کردن توده هاست. بدین ترتیب که چون وسیله پخش و اشاعه اخبار و ارزش های

فرهنگی هستند، خود به خود مسائل سیاسی را که در گذشته اغلب در قالب نشست‌ها و گفتارهای گروهی محدود، حل و فصل می‌شد، در سطح وسیع و به صورت یک‌واقعیه ملی مطرح می‌سازند. به سخن دیگر، رسانه‌های گروهی سیاست را به میان توده‌ها می‌برند و از آنها انسان سیاسی می‌سازند. (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۸۸: ۱۰)

و دیگر نقش رسانه در جامعه، ترویج و تقویت روحیه ملی است. بدین سان که از سویی با فراهم آوردن زمینه برای شناخت بهترویت ملی و ایجاد تفاهم در میان مردم، باعث تحکیم هویت ملی می‌شوند و از سویی دیگر آشناکردن افراد یک جامعه با موقعیت زندگی و فرهنگ کشورهای دیگر، نوعی همبستگی جهانی و روحیه انترناسیونالیستی ایجاد می‌کنند که در بعد جمعیت هم می‌تواند موفق عمل کند. در یکی از تعاریف، امنیت ملی به هویت یکپارچه و انسجام ملی و حفظ ارزش‌های اساسی اشاره شده است. (حاجیان، ۱۳۸۴: ۹۵)

از سویی کارشناسان معتقدند که رسانه‌ها در ارتقای امنیت ملی موثر هستند. پس اگر تعریف فوق از امنیت ملی را قبول داشته باشیم، با توجه به نظرات کارشناسان، باید بپذیریم که رسانه در ارتقای امنیت ملی، موثر است بنابراین کاهش یا افزایش جمعیت به عنوان یکی از موضوعات می‌تواند نقش رسانه را در ارتقای امنیت ملی هویدا کند. توانایی تحلیل برنامه‌های توسعه حکومت‌ها نیز از دیگر کارکردهای رسانه است.

یکی از مزایای بسیار برجسته انقلاب اطلاعات که بر مفهوم توسعه پایدار و طبیعتاً حاکمیت‌کشورها تأثیر گذاشته است، آن است که آحاد جامعه بر اثر تنوع و گستردگی تکنولوژی‌های ارتباطی ناشی از این انقلاب، توانایی تحلیل برنامه‌های توسعه حکومت‌ها را پیدا کرده‌اند. انقلاب اطلاعات باورهایی را درباره فقر، خطرات متوجه محیط زیست، خط مشی شغلی و... در ذهن افراد در سراسر نقاط جای داده است. تنوع و گستردگی رسانه‌ها با ویژگی گزارش دهی و سخن‌پراکنی شرایط را مهیا می‌نماید تا هیچ‌گونه رویدادی در زمینه ناپایداری توسعه خارج از دسترس قرار نگیرد. در نتیجه مشکلات مربوط به فقر، بیکاری، انهدام محیط زیست، سوء تغذیه، نسل‌کشی و مشکلات ناشی از افزایش یا کاهش جمعیت و... در اندک زمانی در سطح سیستم بین‌الملل از طریق

تکنولوژی‌های ارتباطی انتقال می‌یابد. همچنین رسانه‌ها زمینه را برای تقویت همدردی در افراد فراهم می‌نماید و افراد را به (جستجوی مشارکت) فرا می‌خوانند.

طرح استعماری کنترل جمعیت

منابع قدرت را در هر نظامی به دو دسته از عوامل تقسیم می‌کنند. منابع داخلی اعم از وضع جغرافیایی، جمعیت، منابع طبیعی، توسعه اقتصادی، قدرت نظامی، ساختار و نظام سیاسی و شکل حکومت، ایدئولوژی، دکترین نظامی، روحیه ملی و افکار عمومی. و منابع خارجی اعم از نظام بین‌الملل، قابلیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های دوستان و دشمنان، اتحادها و ائتلاف‌ها، تکنولوژی، تسلیحات و موقعیت جهانی کشور.

ایران از نظر وسعت سرزمین یکی از بزرگترین کشورهای خاورمیانه است و با دارا بودن یک میلیون و ۶۴۸ هزار و ۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت، از تنوع آب و هوایی چشمگیر و منابع طبیعی سرشار و اراضی گوناگون با موقعیت سرزمینی ویژه برخوردار است.

کشور ما از نظر جمعیت، طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت کشور بالغ بر ۷۴ میلیون و ۹۶۱ هزار و ۷۰۲ نفر است. نسبت مرد (درصد مردان کشور به جمعیت) ۵۱ درصد و زنان ۴۹ درصد است. درصد جمعیت شهری کشور بر اساس سرشماری سال ۹۰، ۷۱ درصد همچنین جمعیت روستایی کشور در سرشماری ۹۰ به کل جمعیت ۲۹ درصد بوده است که این رقم در سرشماری سال ۸۵، ۳۲ درصد بود.

متوسط نرخ رشد جمعیت سالانه در سال ۹۰ معادل ۱.۳ درصد بوده است که این رقم در سرشماری سال ۸۵ معادل ۱.۶ درصد بوده است این در حالی است که پیش بینی مرکز آمار رقم ۱.۴۷ درصد بوده است یعنی کاهش جمعیت.

در حالی که یکی از ویژگی‌های جمعیت ایران به خاطر نرخ رشد متوسط بالای آن به ویژه پس از سال‌های پس از انقلاب اسلامی و جمعیت جوان آن بود اما اکنون جمعیت روبه پیری می‌رود. از منظر توسعه، کشور ایران چهار برنامه توسعه ملی را پس از انقلاب اسلامی سال ۵۷ پشت سر گذاشته است. از حیث قدرت نظامی، کشور ما ناگزیر در یک جنگ کلاسیک منطقه‌ای با کشور عراق به مدت هشت سال به تجارب

عملی فراوانی دست یافته است. اما در مصاف باجنگ‌های فرامدرن و برق آسای جدید، قدرت نظامی فقط باتاکید بر جنبه‌های پیشگیرانه و بازدارنده آن، اهداف ملی را تامین خواهد کرد و ورود در رقابت‌های نظامی بی‌حد و حصر، چیزی جز عدم توازن در معادله امنیت و توسعه برای ما نیست. پیرامون ساختار نظام سیاسی ایران و شکل حکومت مشخصه اصلی آن، ویژگی منحصر به فرد آن است که در جهان معاصر مشابه ندارد. ایدئولوژی، با وجود تحولات عظیم داخلی و بین‌المللی همچنان وجه مشخصه نظام سیاسی ایران با سایر نظام‌های سیاسی موجود در جهان معاصر تلقی می‌شود. از مهمترین منابع داخلی قدرت ملی که پیوستگی خاصی نیز با یکدیگر دارند، روحیه ملی و افکار عمومی است. روحیه مردم ایران از فرهنگ کهن و باورهای عمیق دینی مردم این مرز و بوم ناشی می‌شود.

اما باید دقت کرد در جنگ، کنترل دشمن بر منابع خویش، از طریق کشتن جنگجویان، کاستن سیطره، کم کردن مصرف و اگر لازم باشد کاهش جمعیت دشمن، به حداقل رسانده می‌شود. جنگ جمعیتی یکی از انواع جنگ می‌باشد که به جای صرف هزینه‌های هنگفت برای کشتن انسان‌ها و ریختن خونشان از به دنیا آمدن آنها جلوگیری می‌کند. در سال ۱۹۴۸، طی یک قرارداد پژوهشی میان ارتش آمریکا و دانشگاه جان هاپکینز، پایه‌های تئوریک علوم اجتماعی در جنگ روانی استخراج گردید. بعدها طی دهه هفتاد، ما حاصل این تحقیقات، تبدیل به رشته دانشگاهی ارتباطات سلامت عمومی در دانشگاه جان هاپکینز شد. هدف از تأسیس این رشته و مراکز مرتبط با آن، ارایه یک برنامه هماهنگ جهانی برای کاهش جمعیت کشورهای کمتر توسعه یافته می‌باشد. این برنامه با پشتوانه آمریکا و با همکاری بسیاری از سازمانهای بین‌المللی با عناوینی زیبا و جذاب چون تنظیم خانواده در این کشورها همراه شد. (<http://www.rajaneews.com>)

تاریخ جنگ و استعمار نشان می‌دهد که جنگ‌های تجاوزکارانه سه هدف غایی را دنبال می‌کرده اند:

توسعه ثروت و سرمایه، اشغال سرزمین و بدست آوردن زمین، افزایش نفرت و نیروی کار بیشتر.

در یک کلام هدف جنگ تجاوزکارانه افزایش دسترسی و سیطره خود بر منابع است. من جمله منابع مالی، تجاری، طبیعی و انسانی می‌باشد. استراتژی تجاوزگران برای رسیدن به این هدف، آن است که کنترل دشمن بر منابع را به حداقل برسانند؛ و این امر را از طریق جنگ مستقیم و کشتن جنگجویان دشمن، کاهش مصرف آنها از این منابع و اگر لازم باشد کاهش جمعیت دشمن محقق می‌نمایند. به عبارت دیگر یکی از استراتژی‌های نوین جنگ، کاهش و به عبارت دقیق‌تر کنترل جمعیت دشمن می‌باشد. پروفیسور ژاکلین کاسون طی بررسی خود در کتاب جنگ علیه جمعیت، نشان می‌دهد که کنترل جمعیت جهانی کاملاً منطبق بر پارامترهای دکتترین نظامی و یک جنگ تمام عیار است. (<http://www.baztab.ir/news>)

به گفته آلون تافلر پس از پایان جنگ سرد، سرویسهای جاسوسی دچار چالش هویت شده و به دنبال هدف و مأموریتی قابل توجه بودند تا بودجه و وجود خویش را توجیه نمایند؛ و چه فعالیت جهانی بهتر از مسایل محیطی که امنیت ملی را مورد تجاوز قرار می‌دهد؟ از دیدگاه آنها دشمن، دیگر اتحاد جماهیر شوروی نبود، حتی کمونیسم چینی نبود، زیرا به نظر می‌آمد چینی‌ها سریع‌تر از آنچه کمیسیون سه جانبه تصور می‌کرد در حال رفتن به سمت سرمایه‌داری می‌باشند. دشمنی که کمیته جاسوسی خطر آن را جدی می‌دانست، رشد جمعیت بومی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته با منابع غنی بود. (همان)

این معنا هنگامی تقویت می‌شود که بدانیم کنترل جمعیت جهانی یکی از پروژه‌های شورای امنیت ملی آمریکا بوده است. طی دهه هفتاد و در زمان هنری کسینجر مشاور امنیت ملی رییس جمهور وقت، پروژه مطالعاتی درباره تأثیر روند رشد جمعیت جهانی بر امنیت ملی آمریکا انجام شد. این پروژه روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را برخلاف امنیت ملی آمریکا دانسته و با تشریح استراتژی آمریکا در مورد جمعیت جهانی، سیاستها، راهکارها، چگونگی همکاری سازمانهای بین‌المللی و روش ترغیب و اقناع رهبران کشورهای مورد نظر برای کاهش روند رشد جمعیت را تبیین می‌کند.

بر اساس این پژوهش، جمعیت کشورهای در حال توسعه و با منابع غنی در صورتی که با همان ضریب رشد، افزایش یابد، موجب به شدت بالا رفتن خواست‌ها و

انتظارات عمومی در میان مردم از جمله آموزش، اشتغال، بهداشت و مسکن می شود که خود به ناپایداری های اجتماعی و سیاسی در این کشورها تبدیل خواهد شد. این ناپایداری ها در کشورهای دارای منابع غنی تا اندازه زیادی منافع کشورهای صنعتی همچون آمریکا و بهره آنها از این منابع و سرمایه گذاری در کشورهای فوق را به خطر خواهد انداخت.

همچنین بر اساس نتایج بدست آمده در این تحقیق، فشار ایجاد شده برای تأمین نیازهای این جمعیت بالا، در آینده موجب می شود که دولت ها و حاکمان این کشورها به دنبال افزایش قیمت نفت جهت تأمین نیازها و انتظارات رفاهی و معیشتی مردم خود باشند. و افزایش قیمت نفت تأثیر بسیار منفی بر روی اقتصاد آمریکا خواهد داشت. (<http://nssm.tripod.com>)

NSSM200 برنامه ای است که برای دو دهه، بر جمعیت زدایی جهانی مسلط بوده است. هنوز جنبه های روانشناختی و سیاسی برنامه، کلیه بخشهای جوامع جهان، به ویژه بخشهای حکومتی، رسانه های گروهی و آکادمیک را تحت تاثیر قرار می دهد. گرچه فعالیت های کنترل جمعیت دولت آمریکا به شکل انفکاک ناپذیری با آژانس های سازمان ملل پیوند خورده است، اما تأثیر آن بر فرهنگ جهانی و تغییرات اجتماعی بسیار فراتر از فعالیتهای سازمان ملل می باشد. این امر به دلیل آنست که سازمان ملل، به عنوان یک مجموعه جهانی، خود به ملتهای ثروتمند و بودجه ها و سرمایه هایشان، متکی می باشد و بر اعضای خویش هیچ نیروی حقوقی الزام آور ندارد. به عبارت دیگر آمریکا دارای یک ردپای ریشه دار متقاعد سازی و مداخله ژئوپولیتیک می باشد که در درگیری جنگ سرد صیقل خورد.

برنامه عمل جمعیت جهانی به خودی خود رشد نمی کند و به تلاشهای جدی توسط کشورهای ذینفع نیازمند است، که فعالیت آژانسهای سازمان ملل و دیگر مجموعه های بین المللی آن را اثربخش می نمایند. رهبری ایالات متحده عاملی ضروری و اصلی است.

مرکز برنامه های ارتباطات که در رأس نهادهای پروپاگاندای جمعیتی دانشگاه جان هاپکینز قرار دارد، در چهارچوب **NSSM ۲۰۰** با آژانس های بین المللی، بنیادها و

سازمانهای غیردولتی متعددی در ایالات متحده و خارج از آن، برای تبلیغ و تشویق رفتار بهداشتی، کار می‌کند. حامیان اصلی این مرکز، یونیسف، بانک جهانی، بنیاد راکفلر، بنیاد پاکارد، بنیاد کاول، بنیاد رفاه عمومی و دیگر بنیادهای خصوصی و خیریه‌ها می‌باشند. (www.jhuccp.org)

دو بخش اصلی و عمده مرکز، شامل خدمات ارتباطات جمعیتی و برنامه اطلاعات جمعیتی می‌باشند. خدمات ارتباطات جمعیتی کمکهای تکنیکی را به پنج منطقه جهانی، شامل دولتهای تازه استقلال یافته (NIS)، خاور نزدیک، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین ارائه می‌کند. در این بخش، مرکز حمایت‌های آموزشی و مالی از هم‌دستان خود در بیش از ۶۵ کشور دنیا به عمل می‌آورد تا آنها را در توسعه و ارزیابی برنامه‌های موثر اطلاعات-آموزش-ارتباطات و انگیزش جهت تشویق و تقویت برنامه‌ریزی خانواده، بهداشت ضدبارداری و فعالیتهای مشابه کمک نماید. (همان)

همانطور که مشاهده می‌شود، فعالیت‌های متعدد دانشگاه جان‌هاپکینز در برنامه جمعیتی IEC/M به «تغییر دادن طرز تفکر و رفتار جنسی» همه جهانیان به سمت جمعیت‌زدایی از طریق کنترل زاد و ولد اختصاص یافته است. برای اجرای این هدف در سر تا سر جهان، مرکز برنامه‌های ارتباطات طرحی به نام فعالیت ارتباطات ملی تهیه کرد که در آن برای هر کشور، برنامه ویژه آن طراحی گردیده است. (همان)

بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره نحوه‌ی سیاست‌گذاری در نرخ رشد جمعیت

دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص نحوه‌ی سیاست‌گذاری در نرخ رشد جمعیت وجود دارد که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم کرد. در یک نگاه که افزایش جمعیت را منشاء قدرت و محرک اصلی پیشرفت تلقی می‌کنند امکانات طبیعت و کره زمین را برای تغذیه و تامین وسایل زندگی افراد بسیار وسیع دانسته و با تاکید بر نگاه اکثر ادیان الهی طرفدار افزایش جمعیت و جلوگیری از رشد آن را نهی می‌کنند. از نظر علمی نیز بعد از انقلاب صنعتی رشد جمعیت باعث رشد و

توسعه اقتصادی و اجتماعی گردید و اثبات نمود که رشد جمعیت می تواند منجر به توسعه در بسیاری از زمینه ها گردد.

در نگاه دوم کارشناسان و صاحب نظران مباحث جمعیتی به تضاد بین کمیت و کیفیت اعتقاد داشته و افزایش جمعیت را عامل توقف پیشرفت مادی و اجتماعی می دانند و برای اثبات ادعای خود مبنی مطلوب بودن جمعیت کم به دوران طلایی کشورهای کوچک اروپایی در قرون وسطی از جمله آتن و ایالت‌های مستقل ایتالیا اشاره نموده و نتیجه افزایش جمعیت را فقر و تیره روزی و انهدام جامعه بشری می دانند.

در این راستا مالتوس معتقد است اگر رشد جمعیت زیاد باشد بالاخره روزی فرا خواهد رسید که منابع غذایی کافی نخواهد بود و در نتیجه بحران های اجتماعی بوجود خواهد آمد و نیازهای مسکن و اشتغال نیز برای جمعیت بر این مشکلات خواهد افزود.

دسته سوم کسانی هستند که طرفدار ثبات جمعیت می باشند و به هیچ نوع تحول و تحرکی در افزایش یا کاهش جمعیت اعتقاد ندارند و به نوعی از اندیشه اعتدال سقراط پیروی می نمایند و ثبات جمعیت را از جهات گوناگون بویژه از نظر اقتصادی دارای مزایای بیشمار از جمله تعلق بیشتر سهم زمین و سرمایه و افزایش رفاه و ثروت می دانند .

گروه چهارم نیز به تز جمعیت متناسب اعتقاد داشته و عنوان می نمایند که جمعیت بایستی با امکانات طبیعی و اقتصادی در جامعه متناسب و هماهنگ باشد و به نحوی با نگرش کنفوسیوس و افلاطون و ارسطو که به حد تناسب جمعیت توجه نموده همخوانی داشته و بر این باور بوده اند که جمعیت یک دولت شهر نه چنان اندک باشد که به استقلال اقتصادی و قدرت دفاعی آن صدمه بزند و نه چندان زیاد که حکومت را با دشواری روبه رو کند.

اما در نهایت باید گفت تناسب جمعیت نه تنها بر حسب زمان و مکان تغییر می کند بلکه بر حسب موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و تکنیکی نیز تغییرپذیر است و در واقع حد متناسب جمعیت مفهومی کاملاً تغییر پذیر دارد.

سیاست‌های جمعیت در کشورهای جهان سوم

جمعیت به عنوان یکی از عناصر تعیین کننده و یکی از مشخصه‌های عمده کشورهای جهان سوم است. در بسیاری از موارد، جهان سوم را بیشتر با مشخصات جمعیتی آن می‌شناسند. تحولات صنعتی، توسعه تکنولوژی، انتقال دانش فنی و زمینه‌های تکنولوژیک، گسترش وسایل ارتباط جمعی باعث شدند تا تغییر عمده‌ای در ساختار جمعیت در این کشورها، به وجود آید. همین امر موجب شد تا آن کشورها در دوره ای از حیات خود با رشد خیلی زیاد جمعیت مواجه شوند و همه تلاش خود را در طرح ریزی سیاست‌های جمعیتی در مواجهه با این پدیده به کار بگیرند.

سیاست جمعیتی (population policy) مجموعه اصول، چاره جوییها، آهنگها و اراده‌های نگاشته و گرد آوری شده جمعیتی است که از سوی دولتها در پیش گرفته می‌شود و قلمرو و حد و مرز تلاشهای او را در پیوند با مسایل و یا کارهایی که نتیجه‌های جمعیتی دارند، روشن می‌کند. هدف سیاست جمعیتی، منطقی و هماهنگ سازی دگرگونیهای جمعیتی با زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است تا رفاه و بهروزی بیش تر جمعیت را فراهم سازد. (تقوی، ۱۳۸۹: ۱۲)

پدیده رشد تکنولوژی و بهداشت در کشورهای جهان سوم باعث شد تا این کشورها به دوره تحول جمعیتی نزدیک شوند. منظور از تحول جمعیت نزدیک شدن دو شاخص موالید و مرگ و میر به یکدیگر است. مسلم است که یکی از مشخصات کشورهای جهان سوم فاصله زیاد بین تعداد موالید و تعداد مرگ و میر آنهاست. هرچه این فاصله کمتر شود، بهبود جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی بیشتر تضمین می‌گردد.

قابل ذکر است که این پدیده در کشورهای صنعتی در اواسط قرن بیستم تحقق یافت. در حالی که کشورهای در حال توسعه هنوز در مرحله آماده شدن برای نیل به آند. همچنین باید یادآور شد که جهت تحول تحقق جمعیتی، لازم است زیربنای اجتماعی و فرهنگی مناسب فراهم آید و امکانات و شرایط تکنولوژیک لازم آماده گردد. به عقیده بسیاری از محققین اجتماعی تحولات سیاسی ممکن است یکباره یا یک شبه صورت گیرد، تحولات تکنولوژیک طی مدت کوتاهی تحقق یابد، ولی تحولات جمعیتی نیاز به گذشت ده‌ها سال دارد. یعنی طی سالها برنامه‌ریزی، تغذیه

فرهنگی، پیشرفت های تکنولوژیک و غیره می توان به میزان جمعیت مناسب دسترسی پیدا کرد.

افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه تقریباً به اختلاف بین نرخ زاد و ولد و مرگ و میر بستگی دارد. در حال حاضر متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در کشورهای در حال توسعه حدود ۲/۱ درصد است در حالی که نرخ رشد سالانه جمعیت در اکثر کشورهای توسعه یافته در حدود ۰/۶ درصد است. البته در ظاهر به نظر می رسد کشورهای پیشرفته توانسته اند جلوی افزایش بیش از اندازه جمعیت شان را بگیرند و کشورهای در حال توسعه موفق نبوده اند.

اما حقیقت این است که کشورهای توسعه یافته این زنگ خطر را برای خود به صدا درآورده اند که با پایین آمدن بیش از حد نرخ رشد جمعیت و پیر شدن جمعیت، نرخ زاد و ولد آنچنان پایین خواهد آمد که در آینده قادر به جبران آن نخواهند بود و خطر بزرگی کشورهای آنها را تهدید خواهد کرد و آن انحطاط اجتماعی و روند کاهشی جمعیت آنها خواهد بود. لذا در این کشورها به تازگی مشوق های خاصی برای افزایش جمعیت و تولد نوزادان اتخاذ گردیده است. (سمیعی نسب و ترابی، ۱۵۰)

سیاست های جمعیتی در ایران

در ایران «یکی خوبه دوتا کافیه!» شعاری بود که در دهه هفتاد در همه جا از جمله رسانه ها و تبلیغات شهری به چشم می خورد. تعدادی از سیاست های جمعیتی که از آن زمان تاکنون به طور هماهنگ و به وسیله وزارت خانه ها و دستگاه های مختلف در کشور ما پیاده شده اند به شرح ذیل می باشند: جوانانی که قصد ازدواج دارند، پس از انجام آزمایشهای لازم، موظف به شرکت در کلاسهای تنظیم خانواده می باشند. عمل وازکتومی به طور رایگان انجام می شود، در حالی که بسیاری عمل های ساده تر از آن با قیمت های گزافی انجام می شود. فرزند چهارم به بعد کوبین دریافت نمی کند.

در واقع تمامی مطالعات جمعیتی منحصر به سیاست های کاهش جمعیت و حمایت از آنها بود اما در چند سال اخیر برخی از متخصصان و صاحبان نظر با توجه به پیامدهای سیاست های کاهش جمعیت در کشورهای توسعه یافته، به این نتیجه

رسیده‌اند که این سیاست‌ها در کشور ما نیز باید مورد بازنگری قرار گیرد. لذا پیشینه تحقیقاتی این چینی نوشته در داخل کشور به دو یا سه سال اخیر می‌رسد.

با توجه به مباحث فوق کارشناسان به بررسی و کارشناسی این مقوله پرداخته و از طرف دولت نیز افزایش جمعیت کشور مورد تایید قرار گرفت. گرچه برخی در نقطه مقابل چنین حرکتی را باعث انفجار جمعیت در کشور و بالطبع با ایجاد چالشهای فرمایشی توامان دانسته و با هشدارهای غیر واقع بینانه از واقعیت امر دور شده اند.

اما باید گفت در صورتی ثبات و افزایش جمعیت کشور محقق می‌گردد که نرخ رشد کنونی جمعیت یعنی ۱/۶ به ۶/۳ در سال‌های ۱۴۰۰ و به بعد برسد. از طرفی روند موجود نشان می‌دهد که جمعیت جوان کشور در حال کاهش و سالمندان در حال افزایش می‌باشند که در واقع جمعیت مولد کاهش و جمعیت هزینه بر افزایش میابد. ضمن اینکه بایستی اضافه نمود به دلیل مهاجرت از روستاها به شهرها روز به روز نسبت جمعیت سالمند در روستاها افزایش یافته و در سال‌های آتی باتخلیه روستاها به عنوان قطب‌های فعالیت و اقتصاد و تولید مواجه خواهیم گردید که قطعا در روند توسعه متوازن و همه جانبه و رهایی کشور از وابستگی‌های موجود اثرات منفی خواهد گذاشت. اما در کشورهای پیشرفته تحقیقات مشابهی انجام شده است.

(همان)

در خصوص نرخ رشد جمعیت در ایران باید گفت که با رشد سریع جمعیت در دهه‌های ۵۵ تا ۶۵ که منجر به افزایش سریع جمعیت شد، نرخ رشد جمعیت کشور به ۳/۹۱ درصد رسید در فضای عمومی جامعه و افکار سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان احساس خطر ایجاد شد و شعار معروف "دو بچه کفایت" سر لوحه افکار و تبلیغات رسانه‌ها و مسئولین و سازمان‌های متولی ذیربط گردید و سعی بر این شد که کلیه ساختارهای حاکمیتی و فرهنگ‌سازی‌ها به سمت و سوی کنترل جمعیت و تحدید جمعیت در کشور پیش برود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در دو دهه گذشته آهنگ باروری کلی یعنی تعداد فرزندان جایگزین والدین از ۶/۰۸ فرزند در سال ۵۵ به ۱/۸ در سال ۸۵ و ۱/۶ در سال ۸۹ رسیده است. از طرفی شاخص‌های علمی گویای این واقعیت است که چنانچه

آهنگ باروری کلی کمتر از ۲/۱ باشد کاهش تدریجی جمعیت و به دنبال آن در مدت کوتاهی خطر انقراض نسلی بوجود خواهد آمد و در مدت کوتاهی سیر نزولی جمعیت آغاز و کشور با رشد منفی مواجه خواهد شد.

در صورتی که کشورهای در حال توسعه مانند ایران، سیاست اشتباه کشورهای توسعه یافته را اتخاذ نمایند و این نرخ نزولی رشد جمعیت خود را کنترل نمایند، در چند سال آینده به مشکل بزرگ پیری جمعیت و کاهش خطرناک جمعیت روبرو خواهند بود. نیروی انسانی به عنوان یکی از عوامل اساسی در رشد اقتصادی به شمار می‌آید که اگر کشورهای در حال توسعه به آن توجه نکنند و رشد جمعیت خود را از دست بدهند نخواهند توانست به رشد اقتصادی خود ادامه دهند. کشورهای توسعه یافته قسمت اعظم کسری جمعیت و نیروی کار مورد نیاز جهت رشد اقتصادی را از طریق مهاجرت پذیری جبران می‌کنند اما کشورهای در حال توسعه به علت داشتن جاذبه‌های کمتر جهت جذب مهاجر، باید به نیروی کار داخلی خود متکی باشند و لذا نرخ نزولی رشد جمعیت خطر بزرگی برای آنها خواهد داشت. (فیروز کاوه، ۸۸: ۱۳۸۰)

نکته مهم مورد توجه دیگر این است که منابع قابل توجه زیادی در علم جمعیت، حاوی سیر تحول جمعیت در غرب هستند. تحولی که خود متأثر از دامنه وسیع تحولات چهار قرن اخیر کشورهای اروپایی و آمریکایی است. در این منابع دلایلی که کاهش یا افزایش جمعیت را توجیه می‌کنند و عواملی که بر پدیده مزبور اثر می‌گذارد، ذکر شده و برخی نویسندگان داخلی مایل اند ثابت نمایند که همان دلایل و عوامل در فضای داخلی کشور نیز وجود دارد. غافل از آنکه اجرای کامل برنامه‌های مربوط به کنترل جمعیت، آن گونه که در غرب مطرح است، مستلزم تن دادن به تمام پیامدهای آن نیز هست. یعنی چیزی که اکنون در غرب شاهد آن هستیم و به نظر نمی‌رسد که علی‌رغم ظاهر جذاب، برنامه‌هایی باشند که بتوانند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه ما نیز باشند.

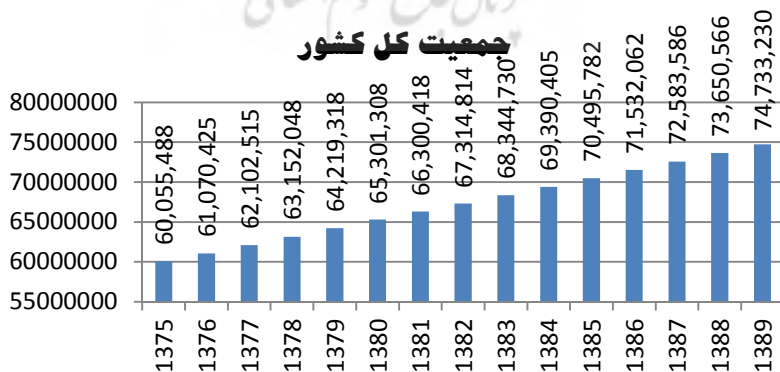
در این راستا دیدگاه فقها و دانشمندان اسلامی و کارشناسان مذهبی و فلسفی در موضوع رشد جمعیت قابل توجه و درخور تأمل است. فرازهایی از جمله "کنترل جمعیت نقشه استعمار است"، "روزی را از خدا بخواهید"، "سقط جنین نکنید"،

"کمبود مواد غذا نداریم"، "ممالک پر جمعیت اقدامات مناسب تری را در پیش می گیرند"، "نسبت مالتوس دروغ و غیر واقعی است" از جمله دیدگاه های رهبران فکری و مذهبی جمعیت معتقد به مبانی دین مبین اسلام در زمینه ضرورت افزایش جمعیت در کشور پهناور و مستعد با امکانات خدادادی ایران اسلامی است که نبایستی از نگاه برنامه ریزان جامعه پوشیده بماند.

مهمتر و مستندتر از نظریات مذکور دیدگاه قرآن کریم در باب جمعیت است که در آیات و سوره مختلف افزایش جمعیت را از نمونه های الطاف الهی و از سوی خدا به بندگان و پیروان شایسته خود دانسته و در واقع آنچه سبب زاد و ولد می شود را از قدرت خداوند دانسته است، ضمن اینکه در روایات و احادیث بر فضیلت فرزند آوری و افزایش جمعیت تاکید گردیده است.

تأثیر سیاست های تنظیم خانواده در ایران بر روی رشد جمعیت

در اواخر قرن ۱۹ میلادی حدود ۱۰-۸ میلیون نفر در ایران با مرزهای کنونی می زیستند. رشد سالانه جمعیت در این دوره کمتر از ۰/۵ درصد بوده که مهمترین علت این مسأله میزان بسیار بالای مرگ و میر در ایران بوده است. در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی حدود ۱۰ میلیون نفر ایرانی در ایران زندگی می کردند. پس از گذشت کمتر از ۱ قرن در سال ۱۳۷۵ جمعیت ایران ۶ برابر شد و از مرز ۶۰ میلیون نفر گذشت.



با وجود چنین شرایطی، از آغاز دهه ۹۰ میلادی و دهه ۷۰ شمسی برنامه تنظیم خانواده به طور هماهنگ در کل کشور پیاده شد. برای آنکه تأثیر این برنامه بر روند رشد مولید به خوبی درک و احساس شود، آمار نرخ مولید از ۱۹۵۰ تاکنون در جدول ذیل آورده شده است. همانگونه که از جدول ذیل می توان استنتاج نمود متوسط نرخ مولید پیش از ۱۹۹۰، ۶.۶۲ کودک برای هر زن بوده است، در حالی که پس از آن تاکنون به طور متوسط ۳.۰۶ کودک به ازاء هر زن شده است.

	2000	1995	1990	1985	1980	1975	1970	1965	1960	1955	1950
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	2005	2000	1995	1990	1985	1980	1975	1970	1965	1960	1955
جمهوری اسلامی ایران	2.33	2.53	4.33	5.62	6.63	6.50	6.40	6.80	7.00	7.00	7.00

همچنین بررسی نرخ رشد جمعیت نشان می دهد که متوسط نرخ رشد جمعیت پیش از سال ۱۹۹۰، ۳.۰۲۵ بوده و پس از آن به مقدار ۱.۴۶ یعنی حدود نصف، رسید.

	2000	1995	1990	1985	1980	1975	1970	1965	1960	1955	1950
	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	2005	2000	1995	1990	1985	1980	1975	1970	1965	1960	1955
جمهوری اسلامی ایران	1.2	1.3	1.9	3.2	4.2	3.3	2.9	2.9	2.7	2.6	2.4

در سال ۱۹۹۰ جمعیت ایران برابر با ۵۶.۷۰۳.۰۰۰ بوده است. با یک محاسبه ساده می توان دید در صورتی که برنامه کنترل جمعیت اجرا نمی گردید، سالانه به طور متوسط ۱۸۴۲۸۴۷.۵ نفر به جمعیت ایران اضافه می شد. اما با اجرای این برنامه ۸۲۷۸۶۳.۸ نفر به جمعیت کشور اضافه شد. این به معنای آنست که سالانه به طور متوسط ۱۰۱۴۹۸۳.۷ نفر انسان کمتر متولد شدند. اهمیت تولد یک میلیون انسان کمتر در سال هنگامی روشن می شود که ابعاد تاریخی و تاریخچه کنترل جمعیت و چگونگی آغاز و شیوع آن در جهان مورد بررسی قرار گیرد.

رژیم گذشته به مسئله رشد جمعیت حتی قبل از انجام سرشماری سال ۱۳۴۵ (برنامه عمرانی دوم تا اواسط برنامه عمرانی سوم) توجه داشته و با مشخص شدن حدود مولید و رشد آن در سرشماری سال ۱۳۴۵ از یک سو و ورود متخصصان تحصیلکرده در راس سازمان های اجرایی و سیاست گذار جمعیتی، سیاست های کنترل جمعیت به طور علنی و مستقیم در برنامه های عمرانی چهارم و پنجم بعنوان یکی از برنامه های مهم رژیم گذشته محسوب شد.

یکی از دلایل عدم موفقیت دولت ها در سال های ۷۵-۱۳۴۶ در اجرای سیاست های کنترل جمعیت، تاکید کمتر این برنامه ها بر مسائل و موانع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. پایین بودن سطح سواد و آگاهی مردم و نگرش سنتی حاکم بر جامعه و عدم تائید این سیاست ها از سوی علماء و روحانیون در عدم موفقیت کامل برنامه های دولت در این زمینه بی تاثیر نبوده است. (همان)

بعد از پیروزی انقلاب تغییر اوضاع سیاسی جامعه به دلیل شروع جنگ ایران و عراق و برخی از شرایط ایجاد شده از سوی دولت در این سال ها از جمله کاهش سن قانونی ازدواج، توقف برنامه های تنظیم خانواده، کاپنی شدن نیازهای اساسی مردم زمینه را برای فرزند آوری بیشتر فراهم کرد. بررسی روند باروری در ایران نشان می دهد میزان های باروری قبل از اتخاذ سیاست های رسمی از سوی دولت کاهش یافته است. میزان باروری از سال ۱۳۵۶ (قبل از انقلاب اسلامی) شروع به افزایش ، و از سال ۱۳۶۴ به تدریج شروع به کاهش نموده است.

هر چند دولت از سال ۱۳۶۷ سیاست های آشکاری را در جهت تعدیل نرخ رشد در پیش گرفت اما باید اذعان داشت سیاست های ضمنی دولت از جمله افزایش سطح سواد، توسعه نقاط روستایی، گسترش شبکه های بهداشتی در کاهش باروری از نیمه دهه ۱۳۶۰ به بعد تاثیر بسزایی داشته اند. همچنین موافقت علمای مذهبی و حمایت آنان مبنی بر استفاده از وسایل تنظیم خانواده نقش موثری در موفقیت سیاست های کنترل جمعیت بعد از انقلاب داشته است. (جهانفر، ۱۳۸۶: ۲۰ - ۲۵)

روند موجود نشان می دهد که جمعیت جوان کشور در حال کاهش و سالمندان در حال افزایش می باشند که در واقع جمعیت مولد کاهش و جمعیت هزینه بر افزایش

می یابد. ضمن اینکه بایستی اضافه نمود به دلیل مهاجرت از روستاها به شهرها روز به روز نسبت جمعیت سالمند در روستاها افزایش یافته و در سال های آتی با تخلیه روستاها به عنوان قطب های فعالیت و اقتصاد و تولید مواجه خواهیم گردید که قطعاً در روند توسعه متوازن و همه جانبه و رهایی کشور از وابستگی های موجود اثرات منفی خواهد گذاشت. یکی از مهم ترین پیامدهای ادامه ی روند فعلی تغییرات جمعیت کشور سالخورده گی جمعیت و بروز تبعات نامطلوب آن است؛ تبعاتی همچون کاهش نیروی کار، افزایش فشار بر تأمین اجتماعی و از همه مهم تر، کاهش خلاقیت و نوآوری در تمام شئون جامعه.

افزایش جمعیت

باید توجه داشت که مباحث مربوط به افزایش جمعیت به هیچ وجه نافی ضرورت توجه به کیفیت جمعیت، آمایش سرزمینی جمعیت، برنامه ریزی برای حل مشکلات جوانان و برنامه ریزی برای بهره برداری از ظرفیت های محلی نیست؛ بلکه با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر افزایش جمعیت ایران، تأکیدی است بر اینکه فارغ از هیاهوهای سیاسی و غرض ورزی علیه نکات علمی و کارشناسی با شناخت دقیق آسیب های ناشی از تحدید جمعیت، راهبرد دقیق و مناسبی را برای غلبه بر مشکلات آتی اتخاذ نمود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به نظر می رسد که اکنون «تنظیم خانواده» به یک ارزش فرهنگی بدون رقیب بدل شده و هرگونه گفتگو راجع به آن، یک تابو تلقی می شود. در خلال سال ۱۳۷۵ مباحثات متعددی درباره سیاست های کنترل جمعیت درگرفت که از آن میان اشاره به نکته ذیل خالی از لطف نیست: عده ای معتقد بودند که توسعه یا کنترل جمعیت ذاتاً یک مسئله اسلامی یا غیر اسلامی نیست. جمعیت یک نمود عینی است که لوازم خود را دارد و در هر برهه ای از زمان، باید با کارشناسی های به موقع و علمی دانست که آیا کثرت جمعیت یا قلت آن به سود خانواده ها، اجتماع، امت اسلامی و اقتدار ملی است یا خیر؟ در هر زمانی که کارشناسی های عمیق و علمی به یک نتیجه قاطع در این

باره رسیدند می توان مطابق آن و در آن زمان سیاست های کنترل یا توسعه جمعیت را دنبال کرد. (محمودی، ۱۳۸۹:۴۵)

اما به نظر می رسد که در حال حاضر تلقی جامعه این است که اصولاً کنترل جمعیت یک ارزش مطلق است و تحت هیچ شرایطی نباید از افزایش جمعیت یا محدود ساختن سیاست های «تنظیم خانواده» سخن گفت؟ به هر حال این موضوع با توجه به تأثیرات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی گسترده اش از جمله موضوعاتی است که باید به صورتی سیال و دایمی مورد بحث اندیشمندان قرار بگیرد و کاملاً روزآمد شود.

واقعیت های تاریخی نشان می دهند که اساس و بنیاد شکل گیری برنامه های تنظیم خانواده که همواره مورد توجه و حمایت سازمان ملل و قدرت های بزرگ جهان از جمله آمریکا بوده است، از نوعی سلطه طلبی و برتری طلبی قدرت های بزرگ جهانی آغاز و با گذشت زمان رنگ و لعاب کمک های بشردوستانه و رفاهی و توسعه ای به خود گرفته است. (همان)

علاوه بر آگاه کردن افراد جامعه بر چنین موضوعاتی که در بالا مطرح شد، از سوی دیگر برای طرح ریزی یک برنامه استراتژیک جهت آینده کشور با متن ها، منابع و مآخذ غنی فقه اسلامی روبرو هستیم که برنامه های نرم افزاری جوامع اسلامی را در خود نهفته دارند، پاسخ گوی پردازشگری هستند که همواره بازخوردها را در قانون توجه دارد. باید تمام تلاش خود را به این معطوف سازیم که برای کنترل نرخ رشد جمعیت در ممالک الگویی کاملاً بومی طراحی کنیم چون اعمال نظریات توسعه محصول صاحب نظران غربی است و در جهان سوم نیاز به دقت و احتیاط کامل دارد. تا بار دیگر این کشورها در دام استعمار فرانو گرفتار نشوند. اما و اگرها و تردیدهای زیادی را می توان در ارتباط با این نظریات مطرح نمود که بسیاری از آنها قابل تأمل است. (مطهری، ۱۳۵۷:۲۷)

قوانین اسلامی در عین این که آسمانی است، زمینی نیز هست. یعنی براساس مصالح و مفاسد موجود در زندگی بشر است. به این معنی که جنبه مرموز و صد در صد مخفی و رمزی ندارد که بگوید: حکم خدا به این حرفها بستگی ندارد، خدا قانونی

وضع کرده و خودش از رمزش آگاه است. اسلام اساساً خودش بیان می کند که هر چه قانونی من وضع کرده ام براساس همین مصالحی است که به جسم شما مربوط است یا به روح شما، اخلاق و روابط اجتماعی مربوط است. یعنی امور به اصطلاح مرموزی که عقل بشر هیچ به آن راه نداشته باشد نیست. (حسینی طهرانی، ۱۳۸۸: ۲۱۰)

عقل در موارد زیادی می تواند در احکام دخالت کند. یعنی هر جا که عقل یک مصلحت ملزومی را کشف کند ما می دانیم که شرع هم حکم هماهنگ با آن دارد و هر جا که عقل یک مفسده ملزومی را کشف کند می فهمیم که شرع هم در این جا هماهنگ است به همین دلیل ممکن است عقل یک مصلحت ملزم یا یک مفسده ملزومی را در موردی کشف کند که این مصلحت ملزم، یا مفسده ملزم با حکمی که اسلام بیان کرده تزامم پیدا کند و آنچه که اسلام بیان نکرده مهم تر باشد از آنچه که بیان کرده است؛ یعنی آنچه که عقل از اسلام کشف کرده مهم تر باشد از آنچه که اسلام بیان کرده است. این جا حکم عقل می آید آن حکم بیان شده شرع را محدود می کند.

با تمام این توضیحات چنین به نظر می رسد هر چند که در مقطعی از زمان ما به دلیل وجود شرایط ویژه بعد از انقلاب، جنگ، تحریم و بسیاری مسایل دیگر نیازمند این بودیم که به صورت مقطعی جمعیت را کنترل کنیم اما نباید از این موضوع غافل می ماندیم که این نیاز به کاهش جمعیت همیشگی نبوده و با چنین روندی قطعاً در مقطع کوتاهی دوباره نیاز به بالا بردن رشد جمعیت خواهیم داشت.

به نظر می رسد که امروز با توجه به فرهنگ سازی صورت گرفته در این زمینه مشوق هایی که از سوی دولت در دو سه سال اخیر اعمال می شود خیلی بر افزایش رشد جمعیت تاثیری نداشته باشد و برای بالا بردن این نرخ رشد بر اساس برنامه های راهبردی نیاز به برنامه ریزی های بسیار دقیق و در کنار آن رشد دادن مناسب سطح اقتصاد و معیشت مردم است و البته در این میان گزینه مهم نقش رسانه ها، امری است که نباید از آن مغفول ماند.

حتی با فرض مؤثر بودن بسته های تشویقی دولت، در سال 1410 باروری کل به حدود (2.1) سطح جانمایی می رسد و پیش بینی می شود در سال 1425 به 2.5

فرزند افزایش یابد. بنابراین مشوق های جمعیتی به هیچ وجه باعث افزایش افسار گسیخته جمعیت نخواهد گردید.

ما اکنون در شرایطی هستیم که حتی اگر سیاستهایی در جهت افزایش فرزند اتخاذ کنیم و رسانه ها را در اجرای این هدف به کار گماریم، هرگز نتایج قبلی را به بار نخواهد آورد، بلکه شرایطی فراهم خواهد کرد که چرخه جدید مسائل و مشکلات مرحله ما بعد گذار را تعدیل نماییم. باید یادآوری نمود که ساختار کلی جمعیت همانند یک اندام واره است که باید بین تمام بخش های آن نوعی تعادل پویا و تجدید شونده برقرار باشد و نمی توان یک وضعیت جمعیتی ثابت و مفروضی را به عنوان یک وضعیت آرمانی در نظر گرفت، زیرا تغییرات جمعیتی علاوه بر اینکه از ضرایب جمعیتی ناشی می شود از بسیاری از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به مرور زمان در مسیر تحول کشورها رخ می دهد تأثیر می پذیرد.

آنچه از طریق سیاست های جمعیت قابل اعمال می باشد، حفظ تعادل پویای ساختار کل جمعیت است، جهت حفظ این تعادل پویا لازم است بطور مداوم تغییرات جمعیت مطالعه و دورنمای تحولات جمعیتی ترسیم شود، در صورتی که بررسی ها، احتمال خارج شدن جمعیت از حالت تعادلی خود را نشان دهد، سیاست های جمعیتی لازم اعمال شود.

باید دانست هر چند که امروزه تکثر رسانه ها باعث پیدایش مخاطب متکثر و البته تخصصی شده است و به این ترتیب نمی توان از طریق یک رسانه تمام مخاطبان مورد نظر را در مورد موضوعی به اجماع رساند؛ اما با یک برنامه ریزی درست و همه جانبه که از تمام امکانات رسانه ای بهره برد می توان در انتقال درست و به موقع اطلاعات در زمینه های جمعیتی به مخاطبان تا حدود زیادی به اهداف تعیین شده در برنامه های راهبردی جمعیتی رسید.

در سال های اخیر این رسانه های گروهی بودند که به تبعیت از سیاست کنترل جمعیت مطالب زیادی همسو با این سیاست ها منتشر کردند. در نتیجه همین تبلیغات یک جانبه بود که اکنون این تفکر به صورت یک اصل بدیهی در اذهان عمومی جای گرفته و حتی اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی را نیز تحت تاثیر قرار داده تا

آنجا که علی رغم هشدارهای جمع قابل توجهی از نمایندگان دیگر متاسفانه قانون محرومیت فرزند چهارم از امتیازات دولتی به تصویب رسید. (همان)

انباشته شدن تسلیحات در خاورمیانه، انفجار جمعیت و جنبش اسلامی سه تهدید اصلی علیه کشورهای شمال و توسعه یافته مطرح می شود غافل از اینکه کاهش جمعیت کشورهای اسلامی پروژه از قبل طراحی شده ای است که از طریق رسانه های جمعی ترویج می شود و از طریق همین رسانه ها ارزش های اعتقادی مردم مورد تهاجم قرار می گیرد.

اگر مدیریت کلان کشور در سطح عالی باشد و از کلیه قابلیتها و پتانسیل های کشور به نحوه احسن استفاده شود، جمعیت ایران می تواند حتی به 150 میلیون نفر هم افزایش یابد، اما مهم این است که این جمعیت 150 میلیون نفری دارای چه کیفیتی و توانمندی هایی خواهد بود و با چه کیفیتی زیست خواهند کرد. لذا همواره باید بین کمیت و کیفیت توازن برقرار کرد.

- پیش بینی سازمان ملل از آینده جمعیتی ایران

پیش بینی های جمعیتی سازمان ملل نشان می دهند که توازن منطقه ای جمعیت جهان، در هر زمان تغییر می یابد بخش جمعیت سازمان ملل هر چهار سال یک بار بر اساس نتایج سرشماری ملی کشورها و مفروضات سطوح مختلف باروری و مرگ و میر به پیش بینی تحولات جمعیتی کشورها در افق های زمانی 50 ساله و در سه فرض مختلف (حد پایین، حد میانگین و حد بالای رشد جمعیتی) می پردازد.

جدول 13 مقایسه نتایج پیش بینی جمعیت ایران را طی دوره های پنج ساله و بر اساس سه دفتر جمعیت سازمان ملل بین سالهای 1385 تا 1430 نشان می دهد.

بر اساس فرض حد پایین که منطبق با روند فعلی کاهش آهنگ باروری کل در کشور می باشد، جمعیت ایران از تعداد 73 میلیون و 364 هزار نفر در سال 1390 به 85 میلیون نفر در سال 1430 افزایش خواهد یافت، و در 10 سال پایان دوره رشد منفی جمعیتی را تجربه خواهد کرد. بر اساس فرض حد میانگین جمعیت ایران از تعداد 7537 میلیون نفر در سال 1390 به 105 میلیون نفر در سال 1430

افزایش خواهد یافت. و در 5 سال پایان دوره رشد جمعیت نزدیک به صفر را تجربه خواهد کرد. در نهایت اینکه بر اساس فرض حد بالای سازمان ملل جمعیت ایران از تعداد 77304 میلیون نفر در سال 1390 به حدود 128 میلیون نفر در سال 1430 افزایش خواهد یافت. در پایان دوره رشد 0.89 درصد جمعیتی را تجربه خواهد کرد.

همانطور که گفته شد شواهد جمعیتی بدست آمده از سرشماری سال 1385 و ۱۳۹۰ نشان می دهد که تحولات جمعیتی ایران منطبق بر فرض حد پایین سازمان ملل است. اما اگر روند کاهشی سطح باروری کل متوقف و حالت افزایشی به خود بگیرد، احتمالاً با گذشت زمان روند تحولات رشد جمعیت ایران منطبق با الگوی حد میانگین سازمان ملل خواهد شد.

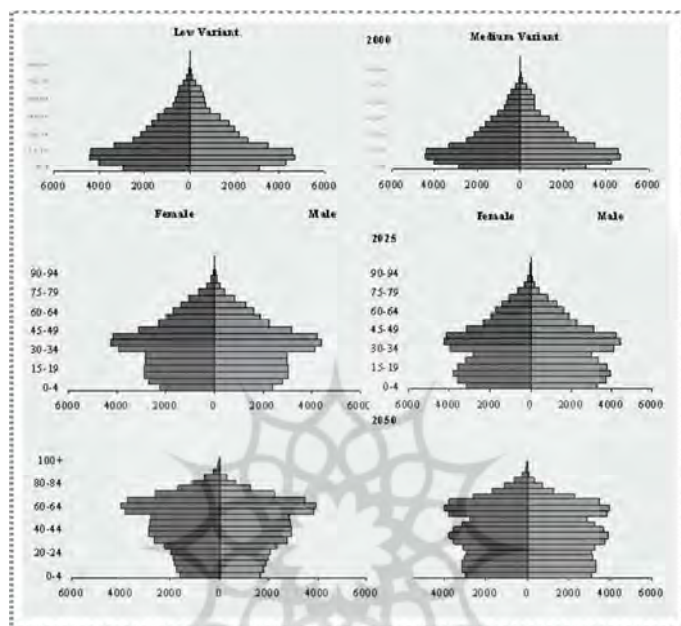
همچنان که فرض حد میانگین نشان می دهد میزان باروری کل برای سال 1385 حدود ۲.۳۳ بچه برای هر مادر برآورد شده است، که در پایان دوره به 1.85 بچه برای هر مادر خواهد رسید. که باز هم زیر حد جانشینی می باشد.

- مقایسه هرم های سنی جمعیتی با الگوهای متفاوت رشد

نمودار زیر هرم های سنی جمعیت ایران را در سال های 1380 ، 1405 و 1430 نشان می دهد. نمودار سمت راست در این گزینه طوری فرض شده است که میزان باروری کل از 2.08 بچه برای هر مادر به 1.35 بچه در سال 1430 برسد و نیز میانه سنی از حدود 23 سال در سال 1405 به حدود 48 سال در 1430 برسد و این همان وضعیتی است که اکنون بیشتر کشورهای اروپایی با آن مواجه هستند و از آن بعنوان مرحله سقوط جمعیتی یاد می شود. همچنان که ملاحظه می شود اگر روند رشد جمعیت ایران از این گزینه تبعیت کند در سال 2050 جمعیت کشور ما به شدت سالخورده خواهد شد.

نمودارهای سمت راست نشان دهنده گزینه رشد میانگین جمعیت ایران تا سال 1430 است.

لازم به ذکر است یکی از روش های حفظ تعادل بویای جمعیتی در ایران حفظ سطح باروری کمی بیش از سطح جانشینی (در حدود 2.1 تا ۲.۳) می باشد.



نمودار هرم های سنی جمعیت ایران در سالهای 1380 ، 1405 و 1430

اگر چه شعار دو بچه کافی است در دهه هفتاد برای وضعیت جمعیتی با باروری بالای 6 فرزند مناسب بود، اما تداوم این گونه سیاست ها ، در نهایت منجر به ظهور مسائل جمعیتی ما بعد گذار خواهد شد. چرا که تحولات سطوح باروری چه در ایران و چه در سایر کشورهای جهان نشان داده است که کاهش زاد و ولد در سطح دو بچه متوقف نخواهد شد، روند کاهشی آن به سطح باروری پایین (کمتر از سطح جانشینی 2.1 فرزند) و بسیار پایین (کمتر از میزان باروری کل 1.3 فرزند) ادامه خواهد یافت که فرض حد پایین پیش بینی سازمان ملل متحد نیز آن را تأیید می کند.

نتیجه گیری

تحولات جمعیتی، زندگی انسان و جهان پیرامون انسان را تحت تاثیر قرار می دهد و اثرات متعددی بر خرده نظام های اجتماعی اقتصادی سیاسی و محیطی وارد می کند و منشا تحولات چشمگیری در این حوزه ها می شود. جمهوری اسلامی ایران نیز در سه دهه اخیر تحولات چشمگیر جمعیت شناختی ای را تجربه کرده که بر ساختار سنی و جنسی جمعیت در آینده تاثیر قابل توجهی خواهد گذاشت. تاثیراتی که نیاز به رصد دقیق و بررسی های همه جانبه دارد و باید در برنامه ریزی های راهبردی و کلان مورد توجه و تدقیق قرار بگیرد. با برنامه ریزی صحیح و به موقع می توان از ساختار و ویژگی های موجود جمعیت برای بهبود وضعیت آینده کشور سود جست و با رو به رشد و فعال نگاه داشتن جمعیت مسیر پیشرفت و آینده کشور را زنده و پویا ساخت.

رشد جمعیت به خودی خود مشکل اساسی نیست؛ زیرا با انتخاب استراتژی مناسب توسعه در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی آن، می توان به سطح بالاتر زندگی، اعتماد به نفس و آزادی بیشتر دست یافت و این امر موجب کاهش رشد بیش از اندازه و غیر قابل کنترل جمعیت می شود. مساله مهم در کنار توجه به کمیت جمعیت، فراهم آوردن امکانات رشد کیفی آن است و پرداخت کیفی به جمعیت جامعه امری است که از نظرگاه دینی و حکومت دینی نیز بسیار مورد تاکید و سفارش است.

نتیجه اینکه مقوله امنیت ملی در جوامع بسیار مهم می باشد و تصمیمات و برنامه های سیاستمداران و برنامه ریزان بایستی در جهت تقویت امنیت ملی و زدودن برنامه های متضاد با امنیت ملی باشد بایستی به این مهم توجه داشت که در شرایطی که در کشورمان به دلیل رویکردهای سیاسی و باورهای مذهبی و عقیدتی دارای گفتمان ویژه ای در عرصه بین الملل است که با مخالفت اساسی دشمنان نظام اسلامی مواجه می باشد، عقل و منطق حکم می کند که خطرات بلند مدت خصوصا خطرات ناشی از تحدید جمعیت جدی گرفته شود.

در اینجا بایستی به سخنان برژینسکی ایدئولوگ استراتژیک امریکایی نیم نگاهی داشته باشیم که می گوید "از فکر کردن در مورد حمله پیشدستانه علیه ایران اجتناب کنید چراکه زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع حکومت ایران نیست"

همه توضیحات این مقاله در غایت خود خواهان رسیدن به این مطلب است که ما باید امر تحدید جمعیت را بر اساس نیازهای جامعه خودمان کنترل کرده و با توجه به این که ایران کشور پهناور و دارای استعدادهای فراوان برای پاسخگویی به جمعیت بیشتر است، آهنگ باروری را در سطح قابل قبولی حفظ نماییم که این نقش جز با رسالت رسانه ها میسر نخواهد بود. هر چند که پذیرفتن اصول تنظیم خانواده در دوره ای مورد نیاز بود اما باید به این نکته نیز توجه مبذول داشت که با روند نزولی کنونی جمعیت بنا به پیش بینی جداول و ارقام آماری ایران طی بیست تا سی سال آینده با کاهش بسیار زیاد روند باوری مواجه خواهد شد که این موضوع در سطح کلان اثرات بسیاری را برای برنامه ریزی ها به بار خواهد آورد.

واقعیت های تاریخی نشان می دهند که اساس و بنیاد شکل گیری برنامه های تنظیم خانواده که همواره مورد توجه و حمایت سازمان ملل و قدرت های بزرگ جهان از جمله آمریکا بوده است، از نوعی سلطه طلبی و برتری طلبی قدرت های بزرگ جهانی آغاز، و با گذشت زمان رنگ و لعاب کمک های بشردوستانه و رفاهی و توسعه ای به خود گرفته است.

به نظر می رسد که اکنون کنترل جمعیت از اوایل دهه هفتاد در جامعه ما به یک ارزش فرهنگی بدون رقیب بدل شده و هرگونه گفتگو راجع به آن، یک تابو تلقی می شود. چیزی که در پرداختن به این برنامه نادیده انگاشته شد این بود که چنین برنامه ای دائمی نبوده و ارزش مطلق نیست و مسلماً باید برای آینده دورتری در این کشور برنامه ریخت.

چنین به نظر می رسد که در این برنامه ریزی جدید برای آینده جمعیتی کشور رسانه ها (مطبوعات، رادیو و تلویزیون) هر یک به فراخور کارایی خود تا حد زیادی می تواند موثر واقع شود. نقش موثر رسانه در ایجاد ذهنیت راجع به یک موضوع در میان افکار عمومی امری است که بر کسی پوشیده نیست و یکی از مهمترین کارکردهای رسانه ها در دنیای امروز کارکرد آموزشی و آگاه سازی است. دست اندرکاران امر در این موضوع نیز باید با استفاده از این کارکرد به بسط این موضوع در میان اقشار مختلف پرداخته و اطلاعات کامل، جامع و به هنگامی را در اختیار آنها

بگذارند. تصمیم‌گیری درباره روند رشد جمعیتی کشور امری است که با حضور آگاهانه و موثر افراد جامعه سمت و سوی درستی خواهد گرفت.

با یک برنامه ریزی درست و همه‌جانبه که از تمام امکانات رسانه‌ای بهره‌بردار می‌توان در انتقال درست و به موقع اطلاعات در زمینه‌های جمعیتی به مخاطبان می‌توان تا حدود زیادی به اهداف تعیین شده در برنامه‌های راهبردی جمعیتی رسید. ما اکنون در شرایطی هستیم که حتی اگر سیاستهایی در جهت افزایش فرزند اتخاذ کنیم، هرگز نتایج قبلی را به بار نخواهد آورد، بلکه شرایطی فراهم خواهد کرد که چرخه جدید مسائل و مشکلات مرحله ما بعد گذار را تعدیل نمایم.

به طور کلی می‌توان، نتایج کلی را می‌توان در ذیل عنوان کرد:

- آگاه‌سازی عمومی شهروندان بهترین شیوه برای مقابله با جنگ رسانه‌ای است که می‌توان این هدف را از طریق تولید برنامه‌های رادیو و تلویزیونی و مقالات و گزارش‌های کارآمد در رسانه‌های نوشتاری کسب کرد.

- افزایش سواد رسانه‌ای: سواد رسانه‌ای تمهیدات، ترفندها، فنون و ابزارهای تأثیر گذاری رسانه‌ای را طرح و مخاطب را با آنها آشنا می‌سازد. به این ترتیب مخاطب در هنگام استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی به وضوح شگردهای آنها برای تأثیرگذاری بر مخاطبان را درک می‌کند و کمتر تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی دشمن در امر کاهش جمعیت قرار می‌گیرد.

- تقویت بنیه رسانه‌ای و تبلیغاتی کشور، به این مفهوم که تمامی امکانات و توانایی‌های خود را در یک مسیر خاص و آن هم با استراتژی واقع‌بینانه به کار گرفته و از پراکنده‌کاری و تعدد و تنوع بی‌مورد بکاهد

- واکسیناسیون: در جنگ‌های رسانه‌ای و روانی فراملی رسانه‌های کشور باید سعی کنند مردم را در معرض مقدار کمی از اطلاعات و تبلیغات دشمن قرار دهند و سپس خود به یاری مخاطبان آمده و در صدد تکذیب و نقض آنها برآیند و به این ترتیب مخاطب در برابر تبلیغات کذب واکسینه شود

- ارائه اطلاعات لازم در قالب برنامه‌های آموزشی، فیلم و غیره در خصوص تاثیر میزان جمعیت بر امنیت کشور

- استفاده از ظرفیت های رسانه‌های ملی و فراملی کشورهای دوست و مسلمان دیگر در جهت احقاق حق خود و تصحیح نگرش های منفی و کاذب علیه کشورمان
- تقویت بنیه اطلاعاتی و خبری خود، به این مفهوم که هیچ گونه خلأ خبری برای سوء استفاده بیگانگان فراهم نکند
- فراهم نمودن امکان استفاده موثر از رسانه ها در میان همه مردم
- تشویق تولیدکنندگان رادیو و تلویزیون و اصحاب رسانه به ارایه اثر در موضوعاتی که منجر به افزایش جمعیت و تقویت امنیت ملی خواهد شد.



منابع

- اسدی، علی؛ (۱۳۷۱)، افکار عمومی و ارتباطات، انتشارات سروش.
- پورطهماسبی، سیاوش؛ تاجور، آذر، (۱۳۸۸)، رسالت رسانه‌ها در برقراری امنیت ملی، نشریه حصون، بهار.
- تافلر، الوین، (۱۳۷۰)، جابجایی قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، جلد اول و دوم، تهران، نشر نو.
- تقوی، نعمت‌الله؛ جمعیت و تنظیم خانواده، نشر آیدین، ۱۳۸۹، ویرایش پنجم، چاپ هجدهم.
- جهانفر، محمد؛ (۱۳۸۶) دانش خانواده سالم: جمعیت و تنظیم خانواده، نشر جهان فرهنگی.
- حاجیانی، ابراهیم؛ (۱۳۸۴)، چارچوب روش شناختی برای بررسی احساس امنیت، مجله مطالعات دفاعی استراتژیک.
- حسینی طهرانی، سید محمد حسین؛ (۱۳۸۸)، کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، نشر حکمت.
- سیلان اردستانی، حسن؛ (۱۳۸۲)، رفتارشناسی تبلیغاتی مطبوعات در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری، انتشارات اداره کل پژوهش معاونت سیاسی.
- سمیعی نسب، مصطفی؛ ترابی، مرتضی؛ تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- سمیعی نسب، مصطفی و ترابی، مرتضی. (۱۳۷۸)، شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران. طرح پژوهشی، فصلنامه برداشت دوم.
- صادقی، رسول (۱۳۸۸)؛ جمعیت و توسعه در ایران: ابعاد و چالش‌ها، طرح پژوهشی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های آسیا و اقیانوسیه.
- طالقانی، محمود؛ (۱۳۷۱) بررسی جامعه‌شناسی تحولات جمعیت ایران (۶۵-۱۳۳۵)، فصلنامه مطالعات جغرافیایی، شماره ۲۷، زمستان.

- عباسی شوازی، محمد جلال و حسینی چاوشی، میمنت (۱۳۸۱)؛ معرفت در دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰
- فیروز کاوه، زینب؛ (۱۳۸۰) بررسی چگونگی تغییر سیاست های کنترل جمعیت طی سه دهه اخیر در ایران و تاثیر آن بر تحولات باروری، دانشگاه تهران،
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ (۱۳۷۰)، بیگانگی، نامه علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران، شماره ۵.
- محمودی، محمد جواد؛ تحولات جمعیتی، چالش های پیش رو و لزوم تجدید نظر در سیاست های جمعیتی ایران، فصلنامه برداشت دوم، سال هفتم، تابستان و پاییز ۸۹
- مطهری، مرتضی؛ (۱۳۵۷) اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲.
- مهدی زاده، سید محمد؛ (۱۳۸۹)، نظریه های انتقادی ارتباطی، تهران: همشهری.
- نجاتی حسینی، محمود؛ (۱۳۸۸)، ویژه نامه امنیت و توسعه ۳۰ آذر.
- ورنر جوزف سورین، جیمز تانکارد، (۱۳۸۵)، مترجم، علیرضا دهقان تهران: دانشگاه تهران.
- Denzin, Norman .K, 1995. The Cinematic Society , London, SAGE Pub.
- Jurgen 1994, Citizenship and national identity, In: B. Van Steenberg (ed, (
- <http://nssm.tripod.com>
- <http://www.baztab.ir/news>
- <http://www.jhuccp.org>
- <http://www.rajanews.com>